


Public social supervision system based on the traditions and traditions of the innocent

Mohammad Soltanieh

Assistant Professor Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran
(Corresponding author).


m.soltanieh@razavi.ac.ir

 0000-0001-7791-2620

Mahdi Soltanieh

Scholar level 4 of Qom seminary. Research Deputy of Semnan Seminary Management Center, Semnan, Iran.

ms.1268@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Systematic processing of the social control mechanism and systematic monitoring in the words and deeds of the Innocents, peace be upon them, as a basic principle, will advance the goals of an Islamic society. Understanding the way of such control from the side of Imam and the epistemic and systematic tools of its formation and correct application will play a role in the advancement of society and even social institutions. This research was done with the aim of identifying and introducing these components and using descriptive exploratory method and referring to Islamic sources and sociology. The result is that with social control, targeted cases are set and the results are checked so that wrong activities can be identified from correct activities and the necessary corrections can be made to achieve the goal. Every social control and supervision, from the point of view of Imam words and actions, consists of components, which are under the general social control problem in four main branches: supervision of society members over each other, supervision of society members over managers, supervision of managers over individuals Community and supervision of managers and officials can be realized. Managers' supervision over the people of their society is realized in two modes of open social control (directly and indirectly), covert or covert social control. According to the point of view of the narrations, in order to realize each of the above types correctly, one should use the appropriate tool for the same type.


Keywords: Social control, public surveillance, direct and indirect surveillance, overt and hidden control, narrations.

سازوکار نظارت اجتماعی همگانی بر اساس سنت و روایات معصومین (علیهم السلام)^۱

محمد سلطانیه

استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

m.soltanieh@razavi.ac.ir

 0000-0001-7791-2620

مهدی سلطانیه

دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم، معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه استان سمنان، سمنان، ایران.

ms.1268@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

پردازش نظام‌مند سازوکار کنترل اجتماعی و نظارت نظام‌مند در کلام و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام، به‌عنوان یک اصل اساسی، باعث پیشبرد اهداف یک جامعه اسلامی خواهد شد. فهم نحوه چنین کنترلی از سمت امام معصوم و ابزارهای معرفتی و سیستمی شکل‌گیری و کاربست صحیح آن، در تعالی جامعه و حتی نهادهای اجتماعی نقش خواهد داشت. این پژوهش با هدف شناخت و معرفی این سازوکار و به روش اکتشافی توصیفی و با مراجعه به منابع اسلامی و علم جامعه‌شناسی صورت گرفته است. نتیجه اینکه با کنترل اجتماعی، موارد هدف‌گذاری شده و نتایج حاصل از آن بررسی می‌شود تا بدین وسیله فعالیت‌های نادرست از فعالیت‌های صحیح شناسایی و اصلاحات لازم در رسیدن به هدف انجام گردد. هر کنترل و نظارت اجتماعی، از دیدگاه قول و عمل امام معصوم مشتمل بر مؤلفه‌هایی است که این مؤلفه‌ها در ذیل مسئله کنترل اجتماعی همگانی در چهار شاخه اصلی نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر مدیران، نظارت مدیران بر افراد جامعه و نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر قابل تحقق است. نظارت مدیران بر افراد جامعه خود در دو حالت کنترل اجتماعی آشکار (به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم)، کنترل اجتماعی مخفی یا پنهان (به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم) محقق می‌شود. بر اساس دیدگاه روایات، برای تحقق هر یک از اقسام فوق به‌صورت صحیح، باید ابزار مناسب با همان قسم را به‌کار برد.

کلیدواژه‌ها: کنترل اجتماعی، نظارت همگانی، نظارت مستقیم و غیرمستقیم، کنترل آشکار و پنهان، روایات.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2024.435183.1535





مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

مقدمه و بیان مسئله

از ارکان مهم در یک جامعه پویا، فعال و سالم، وجود یک نظام دقیق و کامل برای کنترل و نظارت است که هم شامل کنترل برنامه‌های نظام‌مند و هم کنترل بر افراد می‌شود. به عبارتی این کنترل سازمانی، روند پیشرفت را نظام‌مند و قدرت بر اصلاح انحرافات را مهیا می‌کند. به همین دلیل است که در نبود این کنترل و نظارت، بهترین برنامه‌ها، بی‌ثمر خواهد ماند و به هدف نخواهد رسید. آنچه در این مقاله با یک موضوع میان‌رشته‌ای مورد اهتمام است، کنترل اجتماعی نظام‌مند در روایات است که اگر روشمند و وابسته به اصول دینی و اخلاقی باشد، دارای اثرها و فواید فراوانی است. اگر نظریه کنترلی بر پایه سنت پردازش شود، گام بزرگی در جهت تحقق و ماندگاری یک نظام اجتماعی صورت پذیرفته است؛ به‌دیگرسخن، هریک از افراد جامعه، به‌سبب عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی، خود را با هنجارهای آن گروه هماهنگ می‌کند. حال اگر برخی از این هنجارها، در تنافی با هم باشند؛ شخص هنجارهایی را که برای وی اهمیت بیشتری دارد، حفظ می‌کند و هنجارهایی که اهمیت کمتری دارد، نقض می‌کند (کوئن، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۱؛ آگ برن و نیمکوف، ۱۳۵۶، ص. ۲۶۴). همین مسئله، وجود نظام نظارت اجتماعی شکل گرفته شده توسط انسان کامل را که دقیق‌ترین نظام است، توجیه می‌کند؛ بنابراین اقتباس و بهره‌برداری از اصول و روش‌های کنترلی این حضرات در سنت، می‌تواند خلأ عظیم موجود در کنترل اجتماعی و نظارت سازمانی را پُر نماید. چون فرایند جامعه‌پذیری غیرمتکامل، می‌تواند ناشی از کامل نبودن مفاد آموختنی‌ها هم باشد (یان، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۳؛ ورسلی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۰)؛ زیرا ارائه مؤلفه‌های نظارت معصومین (علیهم‌السلام) بر جامعه و تطبیق آن بر نحوه کنترل و نظارت در سازمان یا جامعه، ما را به بهترین عملکردها رهنمون خواهد ساخت. اگر این گزاره، تبدیل به یک عهد اجتماعی گردد، پایه کنترل جامعه هم شکل گرفته است. نکته قابل توجه به‌عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا مسئله مورد بحث، با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای قرآنی ارائه گردد. از طرف دیگر، به‌لحاظ نظری، سازوکار کنترل اجتماعی همگانی بر اساس روایات معصومین (علیهم‌السلام) هم ارائه نشده است و تلاش بر این بوده است تا تبیین مناسبی از این مسئله شکل گیرد. تبیین اساسی مسئله پژوهش، ذیل عنوان نظارت همگانی، خود بیان‌کننده این مسئله است که واگذاری امر کنترل و نظارت فقط بر عهده افراد یا نهادهای خاص، نمی‌تواند

جامعه اسلامی را شکوفا کند تا تمام ظرفیت‌های انسانی که در یک جامعه دینی امکان شکل‌گیری دارد، محقق شود. این نظارت همگانی، شامل نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر مدیران، نظارت مدیران بر افراد جامعه و نظارت مدیران بر یکدیگر می‌شود. نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه دارای چند حالت است که نظارت مستقیم و غیرمستقیم یا واسطه‌ای از انواع آن است. نظارت واسطه‌ای نیز حسب روایات، با نظارت آشکار و یا پنهان قابل تحقق است. از طرف دیگر، قرار گرفتن جمهوری اسلامی در کانون توجهات جهان و همچنین تهاجم فرهنگی همه‌جانبه دشمن برای از بین بردن وجهه تمدنی این نظام اسلامی، مسائل فرهنگی و نحوه مدیریت آن توسط نهادهای مرتبط، به یک مسئله چالشی تبدیل شده است؛ بنابراین برای برنامه‌ریزی و انجام کنش صحیح مطابق با معیارها در برخی از این مسئله مهم و اساسی، باید نحوه نظارت اجتماعی در سیره معصومین (علیهم‌السلام) به روشنی تبیین شود تا مشکلات و معضلات این حوزه، کمتر گردد. چون اساساً در شرایط فرهنگ و تمدن امروزی و التقاط فرهنگی اجتماعی جوامع مختلف، ضرورت بازتولید و ایجاد پویایی در فرهنگ و تمدن اسلامی کاملاً ضروری است (داودی کهکی؛ ذهبی و عباسی، ۱۴۰۲، ص. ۷۴۷) که این مهم، باید در تک‌تک عناصر و ساخت‌های تمدن اسلامی من جمله مسئله مهم نظارت و کنترل فهم و تبیین گردد؛ بنابراین با توجه به اهمیت این مسئله و ارتباط آن با شکوفایی اسلامی، مسئله پژوهش پیش‌رو، تبیین سازوکار نظارت اجتماعی همگانی نظام‌مند بر اساس سنت معصومین (علیهم‌السلام) است تا بتوان در مواجهه با مسائل جدید و چالش‌های نوظهور، به گسترش آگاهی مبتنی بر منابع اسلامی من جمله سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام) دست یافت (بوذری‌نژاد و رییس‌الساداتی، ۱۴۰۲، ص. ۲۸۱).

۱. هدف پژوهش

این مقاله با هدف شناخت کنترل اجتماعی سازمانی نظام‌مند بر اساس سنت معصومین (علیهم‌السلام) است. بر این اساس، کلیدواژه‌های مرتبط با بحث در روایات مورد بررسی و تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. نکته قابل توجه به‌عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا این موضوع با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای دینی ارائه گردد.

۲. سؤال پژوهش

در پژوهش حاضر یک پرسش اصلی وجود دارد. از دیدگاه سنت و روایات، نظارت اجتماعی همگانی چگونه محقق می‌شود؟

۳. پیشینه پژوهش

به مسئله کنترل و مخصوصاً کنترل درونی، در ادبیات دینی بسیار پرداخته شده است؛ اما نظارت سازمانی با ادبیات علوم اجتماعی و از منظر روایی، پیشینه مرتبط ندارد. تلاش نگارنده بر این است که نظارت سازمانی از نگاه روایات را تبیین و به سوالات پیرامون آن پاسخ‌های مناسب دهد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱- احمد شفازاده (۱۳۹۸). بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن. راهبرد اجتماعی فرهنگی، (۳۳).

این مقاله درصدد بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن است. هیرشی که از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید، علت اصلی عدم کجروی و بزهکاری فرد را پیوندهای اجتماعی او دانسته و به نظر او، هم‌نوایی فرد با جامعه عامل اصلی کنترل اجتماعی و پرهیز از کجروی است. از منظر قرآن کریم نیز، شیوه‌های مقابله با کجروی، به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: کنترل فردی، کنترل اجتماعی و کنترل قانونی. دریافت حمایت و احساس وجود منابع حمایتی یا حمایت ادراک شده در تقویت دلبستگی، تعهد و باور در مورد هنجارهای جامعه و مواظبت از همنشین در کاهش انحراف مؤثر خواهند بود.

۲- احمد شفازاده (۱۳۹۸). بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه احادیث. اسلام و مطالعات اجتماعی، (۲۷).

اسلام دینی همه‌جانبه‌نگر است که تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها را در نظر دارد. نظریه‌های کنترل اجتماعی معتقدند همه مردم ظرفیت گریز از قانون را دارند و جامعه نوین فرصت‌های بسیاری برای فعالیت غیرقانونی فراهم آورده است. نتایج نشان می‌دهد دین مبین اسلام، دربردارنده آموزه‌هایی است که در پرتو قوانین الهی می‌توان رشد و استحکام جامعه را به ارمغان آورد؛ ولی نظریه هیرشی یک تفکر غالب آمریکایی است و با انتقادهایی همراه است.

۳- غلام‌حیدر کوشا (۱۳۸۹). کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات. معرفت فرهنگی اجتماعی، (۳).

این تحقیق درصدد بررسی کنترل اجتماعی غیررسمی در متون دینی است. بر

اساس این پژوهش، دین مبین اسلام کنترل غیررسمی را به‌عنوان یک اهرم کنترلی کارآمد مورد توجه قرار داده است. از منظر دین، آمال و آرزوها در نحوه رفتار تأثیر می‌گذارد و باورهای دینی نظیر ثواب و عقاب اخروی زمینه هم‌نوایی افراد جامعه را فراهم می‌نماید. نیز اهرم‌های کنترلی نظیر حیا، ترس، تمجید و مذمت، مراقبت و امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش کجروی و هدایت شدن افراد می‌گردد.

۴- ابوالفضل محمدی و همکاران (۱۳۹۵). باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۱) رفتارهای اعضای سازمان نقش اساسی در موفقیت و شکست سازمان‌ها دارد. بسیاری از پژوهش‌های رفتار سازمانی نقش باورها و ارزش‌ها را در هدایت و کنترل رفتار سازمانی نقش ویژه‌ای می‌دانند. در این مقاله، شش مضمون سازمان‌دهنده یعنی علم خدا بر عملکرد انسان (رفتار، گفتار، نیت)، ثبت و ضبط عملکرد (رفتار، گفتار، نیت)، مرگ و بازگشت انسان به همراه عملکرد، ارائه عملکرد و آگاه کردن انسان نسبت به عملکرد خودش، محاسبه دقیق عملکرد و داوری بدون ظلم، پاداش و کیفر رفتار بر مبنای عملکرد تبیین شده است. یافته‌های این پژوهش این نظر را مطرح می‌کند که باور و اعتقاد به این مضامین ششگانه در هدایت و کنترل رفتار سازمانی نقش مهمی دارد.

۵- رسول برون (۱۳۹۴). اصول نظارت و کنترل در سازمان با نگاهی به مدیریت اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آیات.

در کتاب حاضر تلاش شده تا اصول نظارت و کنترل در سازمان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در هر مجموعه سازمانی ایجاد ارتباطات اصولی شغلی و انسانی افراد و نیز اداره کردن و هماهنگ‌سازی منابع انسانی، مادی و امکاناتی موجود آن در جهت اهداف سازمانی و فردی نیازمند به اهرمی مؤثر است که به‌عنوان مدیریت شناخته می‌شود.

در منابع فوق، مسئله کنترل اجتماعی سازمانی به‌صورت مستقل و همچنین با نگاه به منابع روایی بررسی نشده است؛ هدف این مقاله، پاسخ به این سؤال است که دیدگاه اسلام در این خصوص چیست؟ زیرا چگونگی حفظ و بقاء نظام اسلامی از طریق این فرایند ممکن است؛ البته نویسنده در مقاله دیگری این موضوع را بر اساس آیات قرآن کریم بررسی کرده است و در این مقاله، به بررسی این مسئله در روایت همت گماشته است. به‌همین منظور، اقسام کنترل اجتماعی و نه کنترل‌های فردی در مصادر روایی تبیین شده است و مواردی که قابل پیاده‌سازی در نظام‌های اجتماعی

است، مورد مذاقه قرار گرفته است. نکته قابل توجه به عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا این موضوع با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای قرآنی ارائه گردد.

۴. ملاحظه‌های نظری: تعریف مفاهیم

۴-۱. کنترل اجتماعی^۱

کنترل «توان اعمال قدرت، هدایت یا باز داشتن اعمال دیگران» تعریف شده است. به همین دلیل، کنترل اجتماعی یک فرایند اجتماعی است که از مجموعه‌ای از منابع مادی، نمادین، قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد بهره می‌برد تا بتواند هم‌نوایی رفتاری اعضای خود را محقق کرده و با کجروی‌ها مقابله و برخورد نماید (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۲). به عبارت دیگر، کنترل اجتماعی مجموع روش‌هایی است که اعضای یک گروه به وسیله آن، به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعد رفتاری و حتی آداب و رسوم منطبق با گروه مطلوب، سوق داده می‌شوند (قنادان و دیگران، ۱۳۷۵، ص. ۲۰۷؛ بیرو، ۱۳۷۰، ص. ۳۴۸). پس می‌توان چنین گفت که کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس گفته می‌شود که یک گروه اجتماعی، برای حفظ یکپارچگی و هم‌نوایی خود، از آن استفاده می‌کند تا افراد هدف خود را جامعه‌پذیر نماید (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص. ۴۴۲).

کنترل اجتماعی در قالب اجبار و اقناع امکان تحقق دارد. مقصود از اجبار، یعنی با به کار بردن اهرم‌هایی مثل مجازات‌های قانونی و تنبیه شخص مجبور به انجام عملی گردد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۴۴۷) و مقصود از اقناع، یعنی واداشتن درونی فرد به پذیرش هنجارهای اجتماعی است که با اهرم‌های مختلفی مثل اعطای درجه، تبلیغ، پاداش، تمجید، اعتباربخشی، قدردانی و تشویق شکل می‌پذیرد (ساروخانی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴).

۴-۲. نظارت

نظارت از مجموعه عناوینی است که از مسئله کنترل کجروی‌های افراد جامعه از دیدگاه آموزه‌های دینی قابل استخراج است و شامل نظارت خداوند بر کنش‌های انسان و نظارت انسان‌ها بر کنش‌های یکدیگر می‌شود (صدیق اورعی؛ عبدخدایی و داوری، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). نظارت به معنای تحت نظر و دیده‌بانی و حراست نیز در

معانی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۹۴۶). در سرپرستی امور، کنترل و بررسی افعال استفاده شده است (معلوف، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵۹). نظارت در اصطلاح علم مدیریت، فرایندی برای حصول اطمینان درباره فعالیت‌های انجام‌شده و بررسی میزان تطابق آن با برنامه‌ریزی‌ها است (قوامی، ۱۳۸۶، ص. ۴۸۹؛ لئونارد، ۱۳۶۸، ص. ۵۵۸؛ پیروز و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۶). در جامعه‌شناسی، مجموعه فشاری که افراد از جانب سایرین در جامعه حس می‌کنند، «نظارت اجتماعی» گفته می‌شود (کازینو، ۱۳۶۴، ص. ۷۱). در یک تقسیم‌بندی، نظارت به‌گونه‌های ذیل امکان تحقق دارد:

- نظارت رسمی که شامل اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، از آن در مسیر مقابله با وقوع جرم و کجروی در جامعه استفاده می‌کنند که نوعاً قهری و اجباری هستند؛ البته این نوع از نظارت، محدود به برخی از هنجارهای رسمی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۱).

- نظارت غیررسمی که به تناسب شرایط و حالات افراد و جامعه، توسط هریک از اعضاء و در محیط‌های مختلف خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و غیره شکل می‌گیرد. این نوع نظارت بر اساس اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای متعارف محقق می‌شود. ضمانت اجرای این نظارت غیررسمی متغیرهای درونی و اهرم‌های بیرونی است. متغیرهای درونی مثل ترس از پذیرفته‌نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌روشدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد اطرافیان و غیره؛ اهرم‌های بیرونی هم مثل تمجید و تشویق و یا سرزنش و توبیخ دیگران (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۷).

۳-۴. سازمان^۱

سازمان گروهی از افراد است که به روشی سازمان‌یافته برای یک هدف مشترک، با هم کار می‌کنند. سازمان عبارت است از یک نهاد اجتماعی که مبتنی بر هدف می‌باشد، ساختار آن به‌صورتی آگاهانه طرح‌ریزی شده است، دارای سیستم‌های فعال و هماهنگ است و سرانجام با محیط خارجی ارتباط دارد (باقری فشخامی، ۱۳۹۲).

۴-۴. کنترل اجتماعی همگانی

به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به‌صورت رسمی و غیررسمی به‌کار می‌رود. این

انتظارات، شامل ارزش‌ها، عقاید، هنجارها و باورها و در کل لایه‌های عمیق جهان اجتماعی همه جوامع می‌شود (کوئن، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۷).

۵. روش پژوهش

با توجه به سؤال اصلی این مقاله، روشن است که مقاله از نوع اکتشافی - توصیفی است و دارای فرضیه خاص نیست؛ البته بر اساس روایات، کنترل اجتماعی سازمانی یک اصل اساسی و مسلم برای ایجاد و نگهداشت هر نظام و یا سازمان است و به‌عنوان پیش‌فرض مقاله، قابل طرح است. با توجه به میان‌رشته‌ای بودن موضوع مقاله، نویسنده تلاش کرده است پژوهشی بنیادین با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست‌اول روایی و همچنین جامعه‌شناسی انجام دهد. کلیدواژه‌های مرتبط با بحث در روایات جستجو شد، سپس با توصیف داده‌ها، تحلیل و مقایسه آن‌ها، مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت تا نتیجه قابل قبول حاصل شود.

۶. یافته‌های پژوهش

افراد برای حفظ و بقاء خود در جامعه، احساس کامل دارند که باید بر اساس الگوهای ثابت موجود در مناسبات اجتماعی رفتار کنند و خود و دیگران را ملتزم به عمل بر اساس این الگوها بدانند. چون وجود الگوهای ثابت، زمینه‌ساز ثبات انتظارات اجتماعی است. باین‌همه، همیشه در اجتماع انسانی، زمینه‌های بیگانه‌شدن و عمل بر خلاف هنجارها و ارزش‌ها وجود دارد؛ چون زندگی انسان‌ها در کنار یکدیگر، محتاج کنش متقابل در یک محیط است که بین منافع فردی تضاد ایجاد می‌کند؛ بنابراین ممکن است افراد یا گروه‌هایی برای تحقق تمایلات شخصی یا گروهی خود، برخلاف منافع دیگران یا مصالح جامعه عمل کنند و هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. در چنین حالتی، فهم قواعد و نحوه کنترل و نظارت بر رفتار دیگران بر اساس قواعد الهی (در این مقاله قواعد حاصل از روایات محل بحث است) باعث ایجاد هم‌نوایی بالا در جامعه و به تبع آن رشد و کمال جامعه خواهد شد. در دیدگاه شیعی، روایاتی معتبر است که برخلاف محتوای آیات قرآن کریم نباشد. به عبارت دیگر، برای استناد مسئله‌ای به منابع اسلامی یا حتی اسلامی کردن یک موضوع، باید علاوه بر بررسی آیات قرآن به منابع روایی هم رجوع کرده و نگاه ناطقان قرآن را در آن موضوع، بررسی کرد؛ لذا برای اینکه دیدگاه شریعت به مسئله کنترل اجتماعی

سازمانی را به دست آورد، باید اقسام کنترل اجتماعی سازمانی از دیدگاه قرآن (Soltanieh, 2022, pp. 238-240) با روایات معصومین (علیهم‌السلام) هم تفسیر شود تا کنه مطلب به خوبی روشن شود؛ بنابراین کنترل اجتماعی نظام‌مند بر اساس روایات، در یک بررسی دقیق، ذیل یک عنوان قابل بررسی است که عبارت‌اند از:

۶-۱. کنترل اجتماعی همگانی در روایات

انسان بر اساس ویژگی‌های خاص وجودی خودش مثل خرد، توان و ظرفیت، اختیار و اراده و بر اساس اقتضائاتی مثل هم‌نوعی، همکاری با دیگران و اجتماعی بودن، نمی‌تواند نسبت به اطراف خویش بی‌تفاوت بوده و احساس تکلیف نداشته باشد. طبق نگاه قرآن افرادی که از عمل به وظیفه و مسئولیت‌پذیری گریز دارند و تنها به جنبه‌های مادی و حیوانی خود بسنده می‌کنند، دچار بحران هویت، غفلت و از خود بیگانگی هستند. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ از زندگی دنیا فقط به ظاهر (شناخت سطحی) بسنده می‌کنند و از آخرت غافل‌اند (روم / آیه ۷). حس مسئولیت نسبت به خود و دیگران از آموزه‌های مهم قرآن و روایات است و در روایات فراوانی نسبت به آن تأکید شده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛ آن‌ها را نگاه‌دارید که همه نسبت به اعمالشان مسئول و مورد سؤال هستند (صافات / آیه ۲۴). در روایتی آمده است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ»؛ من مورد سؤال قرار می‌گیرم و شما هم مورد سؤال واقع می‌شوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۴۱).

یکی از عرصه‌های بروز حس مسئولیت، اجتماع است. اگر انسان‌ها در مرحله اول خود را اصلاح نکنند و در عرصه شخصی و خانوادگی آن‌گونه که باید، به‌درستی برخورد نکنند، قطعاً نمی‌توانند از خرد و اندیشه خود در عرصه‌های بزرگ‌تر مثل عرصه‌های اجتماعی بهره مناسب ببرند. وقتی فرد وجود خودش را از رذایل پاک کرد و قلب خود را به نور ایمان جلا داد، در عرصه اجتماعی دغدغه درست و ارزشمند خواهد داشت و حضور او به‌عنوان یک ناظر اجتماعی مفید خواهد بود. در هر انسانی دریایی از غرایز و تمایلات وجود دارد که اگر هرکس به دنبال ارضای بی‌حد و بدون قید آن‌ها در محیط مورد فعالیت خود باشد، قطعاً باعث به‌هم‌ریختگی نظام اخلاقی و اجتماعی آن محیط خواهد شد؛ لذا تمام افراد در جامعه موظف‌اند پاسداشت حد و مرز خود باشند. زمانی این مرزها به بهترین حالت حفظ و باقی می‌مانند که همه

افراد جامعه، درصدد کنترل حسن اجرای خود و دیگران باشند. اسلام به این نظارت همگانی، عنوان امر به معروف و نهی از منکر اطلاق کرده است. در کنترل اجتماعی از دیدگاه اسلام، مسئله نظارت بر جامعه یا سازمان‌ها و عملکرد آن‌ها مقید به افراد خاص و یا مدیران نیست؛ بلکه تمام افراد جامعه موظف به چنین کنترلی هستند. این کنترل از جایگاه والایی برخوردار است، به حدی که تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر این کنترل و نظارت همگانی، همچون قطره‌ای در برابر دریاست (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴، ص ۵۱۴). روایات، عاملان به این کنترل اجتماعی را خلفاء خدا و جانشینان انبیاء معرفی کرده و امتی که به این وظیفه خطیر عمل می‌کند را بهترین امت دانسته است (آل عمران / آیه ۱۱۰). طبعاً اگر در جامعه این عمل نهادینه شود و همگان خود را نسبت به جامعه و عملکرد همه افراد آن مسئول بدانند و بر یکدیگر اعمال کنترل و نظارت کنند، آن جامعه یا سازمان، بهترین عملکرد آن بهترین عملکرد را خواهد داشت. چون یا اصلاح افراد فاسد و خطاکار یا انزوا و خروج از مجموعه را به دنبال خواهند داشت.

این کنترل اجتماعی همگانی، در تمام سطوح جامعه جاری است و منحصر به قشر خاصی نیست؛ همه افراد از بالاترین شخص تا پایین‌ترین آن، می‌توانند بدون در نظر گرفتن جایگاه افراد و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، بر دیگران نظارت داشته باشند و نقاط ضعف و قوت یکدیگر را با رعایت شرایط و احترام متقابل به یکدیگر اطلاع دهند. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می‌توان برای نظارت عمومی در سازمان‌ها چهار حالت را متصور شد که عبارت‌اند از:

۶-۱-۱. نظارت افراد جامعه بر یکدیگر

همواره در میان جوامع انسانی، افرادی برخلاف سیره انسانی عمل می‌کنند؛ بنابراین عقل حکم می‌کند که باید افراد جامعه، برای مواجهه صحیح با انحرافات، در فعالیت‌ها و عملکردهای خود و اطرافیان دقت لازم را داشته باشند و با نگاه تیزبینانه، انحرافات و تخلفات را رصد نمایند؛ چون هر فردی به محیط اطراف خود، آشنایی بهتری دارد و قطعاً بسیار سریع‌تر از نهادهای نظارتی می‌تواند خطا را شناسایی کرده و تذکر دلسوزانه بدهد. چون هوشیاری اطرافیان، به دلیل احساس ناامنی در فرد خاصی، تأثیر بهتری در وی خواهد گذاشت.

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روایتی می‌فرمایند: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ

إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا، وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أَضْرَتُ بِالْعَامَّةِ»؛ اگر کسی معصیت یا ناهنجاری‌های اجتماعی را پنهانی انجام دهد، ضرر آن فقط به خودش می‌رسد؛ ولی اگر آشکار انجام دهد و با نهی از منکر آن را دگرگون نسازند، تمام جامعه ضرر می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۳۶)؛ بنابراین اگر همه از خطای دیگران با مسامحه عبور کنند، تمام افراد متضرر خواهند شد. امام صادق (علیه‌السلام) درباره عدم کنترل همگانی و عدم توجه جامعه به خطاهای دیگران می‌فرماید: «كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ»؛ هر بدعت و خطایی ضلالت است و تمام گمراهی‌ها و انحرافات به بدبختی ختم می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۶). به عبارتی، پایان مسیرهای انحرافی، چیزی جز ضرر و زیان و در نتیجه فروپاشی جامعه نخواهد بود. اگر انحراف، اصلاح نشود و شیوع پیدا کند، چون جامعه در قبال آن، بی‌اعتنا بوده است، دامن همه آحاد جامعه را خواهد گرفت و آتش آن همه‌گیر خواهد شد؛ بنابراین بهترین دیدگاه برای تقویت کنترل افراد جامعه نسبت به یکدیگر این است که همه بدانند بنا بر روایات همه نسبت به هم مسئول‌اند و تمام انسان‌ها در مقابل یکدیگر و اجتماع، تکلیفی به عهده دارند.

۶-۱-۲. نظارت افراد جامعه بر مدیران

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره کنترل و نظارت تک‌تک افراد جامعه بر مدیران می‌فرماید: «گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دارند؛ اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود ستایش نکنید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است را بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم ... و گمان نکنید که اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران خواهد آمد و یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود و لذا از گفتن حق یا مشورت دادن در عدالت و انصاف خودداری نکنید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۶).

لازمه این فرمایش حضرت، حق کنترل و نظارت مردم بر فعالیت‌های حاکمان و مدیران است؛ لذا همگان باید در پیشبرد امور، با نظارت کارآمد و نقد منصفانه و دلسوزانه مشارکت نمایند. به عبارتی، این کنترل و نظارت آحاد جامعه بر مدیران و مسئولان جامعه است که آنها را از صحیح یا اشتباه بودن تصمیمات، اجرائیات و

میزان نفوذ آن در جامعه مطلع خواهد کرد. این واکنش افراد جامعه، آن هم به‌عنوان یک حق که باید مطالعه شود، مدیران را بر معیار صلاح؛ استوار نگه خواهد داشت. در جای دیگر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ»؛ حق من بر عهده شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و مرا همواره مورد نصیحت و خیرخواهی قرار دهید (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۶۰). نصیحت و خیرخواهی از طرف هیچ‌احدی، بدون علم و آگاهی از عملکرد عالمانه ممکن نیست و قطعاً فاقد اثر می‌باشد و لذا باید قبل از نظارت، علم و آگاهی حاصل شود تا در نتیجه آن نصیحت و خیرخواهی عالمانه و منصفانه صورت گیرد. این نصیحت، مصداق کامل همان نظارت مردم بر مسئولان است که به محض اینکه خطا یا اشتباه در راه و روش آنان مشاهده کردند، از باب خیرخواهی آن را متذکر شوند تا اصلاح صورت بگیرد؛ بنابراین اگر تک‌تک افراد جامعه یا کارکنان یک سازمان، هیچ حقی در امور کلان نداشته باشند، در این هنگام موضوع کنترل افراد جامعه نسبت به حاکمان یا کارکنان نسبت به مدیران سازمان، فاقد مقتضی لازم است و امری کاملاً لغو و بی‌فایده و حتی مضر به حال کارکنان است؛ چون مبنای نظارت افراد جامعه نسبت به حاکمان یعنی حق تصرف آنان وجود ندارد و لذا این نظارت متزلزل بوده و نوعی دخالت در امور بالادستی به حساب می‌آید و نه تنها فایده‌ای در بر ندارد بلکه موجبات تنبیه افراد خاطی را هم فراهم می‌سازد.

۳-۱-۶. نظارت مدیران بر افراد جامعه

این نوع نظارت، انواع و شاخه‌های مختلف دارد که به شرح ذیل است:

الف) کنترل اجتماعی مستقیم در روایات

کنترل اجتماعی مستقیم توسط مدیر، آثار بسیاری دارد؛ چون زمانی که شخص مدیر به‌صورت مستقیم وارد عرصه کنترل شود، به تمام ضعف‌های برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و... پی می‌برد و نتیجه این آگاهی سازنده، رفع نقص‌های احتمالی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سازمانی است. به بیان دیگر، نظارت مستقیم مدیر سبب ایجاد انضباط در محیط کار و نیز بالا رفتن فرایند کیفی در اجرای برنامه خواهد شد. در روایات شواهد بسیاری درباره کنترل اجتماعی مستقیم توسط مدیر، وجود دارد. این شواهد اغلب مربوط به زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است؛ چون در زمان ایشان، حاکمیت پیشوایان معصوم شکل گرفت.

اگرچه در این خصوص، از بقیه معصومین هم احادیثی بیان شده است که به برخی از این شواهد اشاره می‌گردد:

۱- امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «روش و سیره امیرالمؤمنین این‌گونه بود که هر روز صبح به تک‌تک بازارهای کوفه سر می‌زد؛ درحالی‌که تازین‌های دوشاخه به نام سببیه همراه داشت. در هر بازار می‌ایستاد و با صدای بلند می‌فرمود: ای گروه تجار، قبل از هر دادوستدی از خداوند طلب خیر کنید و با آسان گرفتن در تجارت، از خدا طلب برکت کنید و گران‌فروشی نکنید تا خریداران، از شما نگرزند و حلیم و بردبار باشید و از دروغ گفتن و قسم خوردن پرهیز نمایید و از ستم کناره‌گیری کنید و انصاف را رعایت کنید و به ربا نزدیک نشوید و در وزن کم نگذارید و در زمین فساد نکنید. امام به همه بازارهای کوفه می‌رفت و این سخنان را می‌فرمود، سپس برمی‌گشت و با مردم می‌نشست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۵۱). عبارت: «مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ» در روایت، نشان‌دهنده شأن نظارتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به‌عنوان حاکم دارد.

۲- از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است که: «روزی بر مردی وارد شد که آرد خرید و فروش می‌کرد. پس امام به ایشان فرمود از خیانت بپرهیز، کسی که غش نماید در اموالش خیانت می‌شود و اگر مالی نداشته باشد در اهلش خیانت می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۶). اگرچه مورد روایت، پرهیز از غش در معامله است؛ اما از بعد دیگر، نشان‌دهنده نظارت امام جامعه بر آحاد افراد است. جایی‌که امام اشتباه مردم در معامله و غیر آن مشاهده می‌کنند، خود تذکر می‌دهد تا روال صحیح توسط مردم اتخاذ گردد.

۳- امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمودند: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بازار از کنار حبوبات فروشی عبور می‌کرد. به آن مرد فرمود: اطعمه تو را نیکو می‌بینم و از قیمت آن سؤال کرد. در این هنگام خداوند به او وحی کرد که اطعمه را زیور و کند و آن حضرت این کار را انجام داد و به‌واسطه این کار متوجه نامرغوبی کالا شد. سپس به صاحب کالا فرمود: جز این نمی‌بینم که بین خیانت و فریب مسلمانان جمع کرده‌ای؛ البته مراد از طعام در این روایت، طبق روایت ابوسعید از پیامبر گندم و حبوبات است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۶۱؛ خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ص. ۴۸۳). این روایت نیز، گویای حضور حاکم جامعه در بازار مسلمین و تذکر و مواخذه آنان بعد از اطمینان از اشتباه آنان است. حتی این

مسئله به حدی مهم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به وسیله وحی، مطلع فریبه کاری فروشنده گردید تا تذکر حاکمیتی لازم را به فروشنده بدهد.

۴- «رُوی أَنَّهُ (علیه السلام) اجْتَاَزَ لَيْلَةً عَلَى امْرَأَةٍ مَسْكِينَةٍ لَهَا أَطْفَالٌ صِغَارٌ يَبْكُونَ مِنَ الْجُوعِ وَ هِيَ تُشَاغِلُهُمْ وَ تُلْهِيهِمْ حَتَّى يَنَامُوا...»؛ روایت شده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شبی از شبها در هنگام سرکشی از احوال مردم عبورش به خانه زنی بینوا افتاد که کودکان خردسالش از شدت گرسنگی گریان بوده و خواب به چشمانشان نمی آمد ... امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به محض اطلاع از وضع رقت بار آنها به همراه قنبر، خدمتگزارش به منزل رفت و مقداری خرما، روغن، نان و چیزهای دیگر را در همیانی گذاشت و به دوش گرفت ... قنبر که این منظره را به چشم خود دید، عرض کرد مولای من، من در این شب صحنه‌ای غیرمنتظره از شما دیدم و از علت آن آگاه نشدم و آن اینکه چرا صدای گوسفند را تقلید می کردید؟ درحالی که از علت حمل غذاها (رسیدن به ثواب و تقرب به خدا) آگاه بودم. امام فرمود: زمانی که به خانه این زن وارد شدم کودکان از شدت گرسنگی گریان بودند خواستم موقع خروج علاوه بر خوردن غذا آنها را شادمان ببینم و راهی برای این عمل خداپسندانه جز این پیدا نکردم و لذا این گونه آنها را خوشحال کردم» (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱۵). ارتباط روایت با محل بحث در این است که «اجتاز» در فرهنگ لغت، به معنای عبور کردن همراه با دقت و توجه به اطراف آمده است (ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۶؛ مختار عمر، ۱۴۲۹ق، ص. ۸۰) که نشان از نوعی کنترل، نظارت و بررسی اطراف و اکناف دارد و این روایت به خوبی نظارت مستقیم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بر مرکز خلافتش نشان می دهد. حضور ائمه (علیهم السلام) مخصوصاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سطح شهر و نگاه دقیق و موشکافانه به اطراف شهر و شناسایی فقیر، یتیم و مسکین و دستگیری از آنها و یا شناسایی دقیق از قوت و ضعف مراکز حکومتی، همه می تواند دلیل روشنی بر حضور بی واسطه و کنترل اجتماعی مستقیم بر مرکز حکومت باشد.

روایات بیان شده به روشنی دلالت بر حضور بی واسطه ائمه اطهار (علیهم السلام) و نظارت مستقیم آنها بر اتفاقات زمین و زمان حکومتشان دارد. حضور مستقیم پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، امام صادق و دیگر ائمه (علیهم السلام) در بازار و تذکر سانی به خریداران و فروشندگان، دلالت بر نظارت مستقیم آنها بر سازمانها،

نهادهای و مراکز حکومتی دارد؛ البته این مسئله قابل توجه است که نظارت مستقیم در مکانی رخ داده است که امام ساکن در آن بوده و این مناطق از وسعت قابل توجهی برخوردار نیست. چراکه اصولاً نظارت مستقیم بر تمام بلاد حکومت امری غیرممکن برای مدیر آن جامعه است.

به بیان دیگر امکان نظارت مستقیم برای مدیر زمانی میسر است که سازمان کوچک و دارای کارکنان مختصر باشد؛ ولی در سازمان‌های بزرگ یا حکومت‌های وسیع نظارت بر تمام بخش‌ها و مراکز، نه تنها مانند نظارت در سازمان‌های کوچک مثر نیست و آثار مثبت فراوان ندارد بلکه حتی می‌تواند مخرب و چه بسا باعث هرج و مرج در محیط سازمان و انحراف سازمان از برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌ها باشد. چراکه وقتی مدیر، به دنبال نظارت مستقیم باشد باید تمام وقت خود را در پی شناسایی محاسن و معایب و سپس تقویت یا رفع آن معایب بگذارد و از وظایف دیگر مدیریت که برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، و غیره است بازماند. درحقیقت مدیر و مسئول سازمان‌های بزرگ یا کوچک باید فعالیت‌ها و وظایف خود را به دسته‌های مختلف تقسیم کند و بین آن‌ها اهم و مهم نماید و وقت خود را در فعالیت‌های مهم‌تر هزینه نماید. اگر چنین عملکردی نداشته باشد و فعالیت‌های غیر مهم را بر موارد مهم و ضروری مقدم نمایند و به عبارتی شخصاً بخواهد بر تمام بخش‌های سازمان و عملکرد تمام کارکنان نظارت نماید، فرصتی برای پرداختن به باقی فعالیت‌هایی که چه بسا از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است نخواهد یافت. روایات متعددی به این مطلب اشاره دارد که هر فردی در مدیریت برنامه‌ها و فعالیت‌هایش باید اهم را بر غیر آن مقدم کند و الا نه تنها بهره‌مناسبی نخواهد برد بلکه حتی دچار خسران بزرگ هم خواهد شد و تمام منفعت یا بخش بزرگی از منافع را از دست خواهد داد. حضرت علی (علیه‌السلام) در سه روایت، این مفهوم را بیان فرموده‌اند که: «مَنْ اشْتَغَلَ بِمَا لَا يُعْنِيهِ فَاتَهُ مَا يُعْنِيهِ»؛ کسی که به امور غیر مهم مشغول شود، موارد مهم و مورد اهتمام از او فوت می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۶۲۰). در تعبیر دیگری، همین مطلب را بیان کردند که: «مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهِمَّةِ الْمَأْمُولِ»؛ مامول یعنی چیزی که بدان امید و آرزو داشته است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۷۶). در نهایت: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ ضُرُورَتِهِ فَوَّتَهُ ذَلِكَ مَنَفَعَتَهُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳۸).

روایات فوق تماماً توصیه می‌کنند که انسان‌ها باید در تمام زندگی اهم و مهم

کرده و در مدیریت ابتدا به موارد مهم بپردازند و در صورت امکان به موارد مهم (بعد از رسیدگی به اهم) پرداخته شود. این توصیه در مسائل کلان و در مدیریت سازمان‌ها جایگاه بالاتری دارد و عمل به آن منفعت بیشتری را هم به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین مدیران سازمان‌های بزرگ، امکان نظارت مستقیم و بدون واسطه را به صورت مبسوط در سازمان ندارند و حال اینکه نظارت باید به صورت مستمر و مطلوب انجام شود؛ لذا لازم است برای انجام این مهم از افراد دیگری بهره ببرند و ابزارهای مختلف را در این کار به کار گیرند. استفاده از افراد و ابزار دیگر موجب می‌شود که شاخه‌ای دیگر از نظارت به وجود آید که به آن نظارت واسطه‌ای و غیرمستقیم گویند.

ب) کنترل اجتماعی غیرمستقیم یا واسطه‌ای در روایات

۱- کنترل اجتماعی آشکار: کنترل اجتماعی آشکار به نظارت و کنترلی گفته می‌شود که عملیات نظارتی بر کارکنان، به صورت علنی صورت می‌گیرد؛ به نحوی که تمام کارکنان سازمان از کنترل عملکردشان توسط ناظر مطلع هستند. این کنترل معمولاً توسط شخص مدیر یا به واسطه عوامل مختلف که مدیر سازمان از دخالت مستقیم صرف نظر کرده و فقط نتیجه واسطه را بررسی می‌نماید، انجام می‌شود؛ روش اول را کنترل مستقیم و روش دوم را کنترل غیرمستقیم می‌نامند (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص. ۷۲۰؛ سالاری فر و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۹-۳۸۰).

با توجه به اینکه کنترل اجتماعی امری غیرقابل انکار برای پیش برد اهداف هر سازمان است، باید به صورت دائم و مستمر انجام شود و از آنجاکه مدیر شخصاً امکان نظارت مستقیم و مستمر را در تمام مسائل ندارد به ناچار باید به دنبال افرادی امین برای انجام این مهم باشد تا از طریق آن‌ها بتواند بر امور، برنامه‌ها و عملکرد کارکنان سازمانش نظارت صحیح، بدون عیب و بدون وقفه داشته باشد که این بهره‌بردن از افراد خاص یا واحدهای ویژه برای امر نظارت را، نظارت غیرمستقیم یا واسطه‌ای گویند (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص. ۷۲۰). در روایات و مخصوصاً در نهج البلاغه، شواهد فراوانی مبنی بر به کارگیری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از ناظران متعدد در حکومت خود برای کنترل وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سال سی و هشت هجری به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار حضرت در اردشیر خَرّه: «گزارشی از تو به من داده‌اند که اگر چنان کرده باشی خدای خود را به خشم آورده و امام خویش را

نافرمانی کرده‌ای. خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌های آن‌هاست و با ریختن خون‌هایشان به‌دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند می‌بخشی» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳، ص ۳۹۲). این نامه نشان می‌دهد که حضرت با در اختیار داشتن افرادی زیرک و کاردان، مسئله نظارت بر اعضای بلندپایه حکومت سازمانی خود را به‌صورت دقیق رصد می‌کرده است.

- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به زیاد بن ابیه در سال سی‌ونه هجری بعد از اینکه معاویه نامه فریبه‌کارانه‌ای به زیاد بن ابیه به بهانه‌برادری نوشت اما در حقیقت قصد او فریب زیاد برای همکاری بود. «اطلاع یافتیم که معاویه برای تو نامه‌ای نوشته تا عقل تو را بلغزند و اراده‌ات را سست کند. از او بترس که شیطان است و از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ به‌سوی انسان می‌آید تا در حال غفلت، او را تسلیم خود سازد و شعورش را برباید» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۴، ص ۳۹۲).
- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به فرماندار بصره عثمان بن حنیف انصاری در سال سی‌وشش هجری: «پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخوانده و تو به‌سرعت به‌سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی مقابل تو گذاشتند ... پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹۲).
- برخورد قاطع امام علی (علیه‌السلام) با متخلفان احتمالی در امور اقتصادی: «به من خبر دادند که خانه‌ای به هشتاد دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهی آن را امضاء کرده‌اند. ای شرح بدان به‌زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند ... تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد» (نهج‌البلاغه، نامه ۳، ص ۳۴۲).
- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به یکی از فرماندارانش در سال چهل هجری: «بعد از یاد خدا و درود! از تو خبری رسیده است که اگر چنان باشی پروردگارت را به خشم آوردی ... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که

حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰، ص ۳۸۸).

• نامه امام علی (علیه‌السلام) در آستانه جنگ جمل به ابوموسی اشعری در سال سی‌وشش هجری: «بعد از حمد و ستایش خدا سخنی از تو به من گزارش شده است که هم به نفع تو و هم به زیان تو است» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۳، ص ۴۲۸).

• نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به زیاد بن عبید فرماندار امام در فارس: «فرستاده من قضیه عجیبی را به من گزارش داده است. او مدعی شد که خود به او گفته‌ای که کردها به تو حمله کردند» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۲-۱۷۳).

تمام این روایات، دلالت بر بهره‌گیری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از مأموران خبره، برای کنترل عمال حکومتی و سازمان‌های تابعه حکومت دارد. با به‌کارگیری مأمورانی در مسیر نظارت و کنترل، حضرت نه تنها از وظایف اصلی خود در هدایت و مدیریت کلان بازمانده بلکه ضمن مدیریت صحیح، با استفاده از منابع ذی‌صلاح انسانی، کنترل بسیار دقیق و مناسبی بر ارکان و زیرمجموعه‌های خود داشته است و بدین‌وسیله از تمام نقاط ضعف و قوت کارکنان خود مطلع شده است تا هر آنچه لازم و بایسته نظارت اجتماعی است را انجام داده و در نتیجه حرکت جامعه به سمت هدف را تسهیل نمایند.

۲- کنترل اجتماعی پنهان: کنترل اجتماعی پنهان در سازمان‌ها امری ضروری و غیرقابل‌انکار است. استفاده از ناظران پنهان ضریب صحت و اطمینان را در کنترل بالا می‌برد. چون در کنترل آشکار این احتمال وجود دارد که کارکنان با ظاهرسازی، عملکرد مناسبی از خود بروز دهند و بدین‌وسیله اسباب فریب ناظران را مهیا سازند؛ لذا بهره‌گیری از ناظران مخفی و پنهان باعث می‌شود: اولاً، احتمال ظاهرسازی از بین برود و ثانیاً، افرادی که فعالیت‌های خوب و مثمرتری دارند، ولی در عین حال هیاهوی بیرونی از خود نشان نمی‌دهند، شناسایی شده و در منصب‌های مناسب‌تری به‌کارگیری شوند. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در مرحله اول به مدیران، درباره خطر افراد ظاهرساز، توجه داده‌اند و سپس برخورد با این عوامل را در استفاده از مأمورانی مخفی و غیرقابل‌شناخت، چاره کرده و نسبت به آن مطالبی را بیان فرموده‌اند. استفاده از مأموران مخفی در سیره حکومتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وجود داشته است و اخبار بسیاری این نوع نظارت را توسط حضرت تأیید می‌کند که

از باب نمونه به یک مورد اشاره می‌شود: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بخشی از نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «يَا مَالِكُ تَقَدَّرَ أَعْمَالُهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»؛ ای مالک، رفتار کارگزارانت را بررسی کن و مأمورانی مخفی در حالی که راست‌گو و اهل وفا هستند را بر آن‌ها به‌گمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آن‌ها، سبب امانتداری و مهربانی آن‌ها با رعیت خواهد بود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۰). وجه دلالت عبارت «فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ» بر نظارت پنهانی، بدین‌صورت است که نظارت پنهانی غیرمستقیم مدیران، سبب اطلاع و آگاهی مدیر خبیر از اوضاع و احوال آنان می‌شود و اگر کسی، خارج از قواعد مدیر، با مردم و رعیت رفتار نادرستی داشته باشد (امانتدار نبوده باشد) رفتار خود را اصلاح و با مردم با مدارا برخورد خواهد کرد؛ بنابراین کنترل اجتماعی پنهان و نظارت سازمانی مخفی، فواید زیادی مثل حرکت تمام عناصر جامعه و سازمان در مسیر اهداف، تشویق آن‌ها در انجام وظایف محوله، برخورد مناسب با ارباب‌رجوع و انجام صحیح و بدون وقفه تمام فعالیت‌ها دارد؛ بنابراین مدیران، در بهره‌گیری از این اهرم سازنده در کنترل، باید بیشترین تلاش را داشته باشند. با توجه به دو روایت فوق، مشخص است که اطلاع امام از اتفاقات جامعه تحت حکومت خود در آن مناطق خاص، به‌واسطه مأموران مخفی است؛ چون اولاً، گزارش‌ها از ریز عملکرد فرمانداران است. ثانیاً، درباره عملکرد منفی فرمانداران است که شاهد بر استفاده حضرت از مأموران مخفی است.

۶-۱-۴. نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر

با توجه به متون حدیثی و مخصوصاً نامه‌های امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و عملکرد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، یکی از وظایف اصلی مدیران ارشد نظارت بر بقیه مدیران است که اولاً، به نحوه استفاده از بیت‌المال توسط آن‌ها پی ببرند و ثانیاً، نسبت به چگونگی انتخاب مسئولان و کارکنان توسط مدیران خودآگاه شوند تا درنهایت بدین‌وسیله بر حسن اجرای امور به‌صورت کامل آگاه شوند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در موارد فراوانی استانداران خود را مورد مذاقه قرار داده و در موارد بسیاری هم استانداران را به نظارت کارگزارانشان توجه داده است تا بدین‌وسیله از نحوه عملکرد آن‌ها و حرکت در مسیر صلاح اطمینان حاصل نمایند. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «کارگزاران دولتی را از بین مردمی باتجربه و باحیاء از

خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آن‌ها گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر و آینده‌نگری آن‌ها بیشتر است... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و ناظرانی راستگو و وفای‌پیشه بر آن‌ها به‌گمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آن‌ها سبب امانت‌داری و مهربانی آن‌ها با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش ناظران تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را به تازیانۀ کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او پس بگیر، سپس او را خوار و ذلیل کن و خیانت‌کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۰).

توصیه حضرت به استانداران برای نظارت بر عملکرد کارگزاران همه دلیل بر نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر می‌باشد. نظارت مدیران بر مدیران در حقیقت نظارت بر ارکان حکومتی در دولت‌های اسلامی است؛ البته این نظارت از جایگاه بالاتری نسبت به سایر اقسام نظارت برخوردار است؛ چون کوچک‌ترین خطاها در این رده از افراد منجر به بزرگ‌ترین انحرافات در مجموعه جامعه یا سازمان خواهد شد و لذا باید نظارت در این گروه جدی‌تر و دقیق‌تر انجام پذیرد. درباره این نوع از نظارت، شواهد فراوانی در روایات ما وجود دارد که در ذیل به بعضی از آن‌ها به‌صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱- «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَّغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ... بَلَّغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ»؛ پس از یاد خدا، از تو به من خبری رسیده است... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشته به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال خودت را برای من بفرست (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰، ص ۳۸۹).

۲- «پس از یاد خدا همانا تو را در امانت خود شریک کردم و هم راز خود گرفتم... آیا به معاد ایمان نداری؟... چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌نوشی. چگونه با اموال یتیمان و فقیران و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می‌خری و... پس از خدا بت‌رس و اموال آن‌ها را بازگردان که اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذرخواهی من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین

هم مثل تو عمل می‌کردند از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزوی خود نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آن‌ها پس بگیرم» (نهج البلاغه، نامه ۴۱، ص ۳۸۹). این اطلاعات دقیق امام به‌عنوان یک حاکم و مدیر، از سایر مدیران ارشد حکومت و نحوه نکوهش و برخورد قاطع نشان از نظارت دقیق حضرت بر مدیرانش دارد.

۳- نامه امام به فرماندار بصره عثمان بن حنیف انصاری در سال سی‌وشش هجری: «أَمَّا بَعْدُ، يَا بَنَ حَنِيفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادُبَةٍ، فَأُسْرَعْتُ إِلَيْهَا، تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتَنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ، وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَابِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَغَنِيَهُمْ مَدْعُوءٌ، فَاظْطَرُّ إِلَى مَا تَقَضَّمَهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ...»؛ پس از یاد خدا ای پسر حنیف به من گزارش داده‌اند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش دعوت کرده و تو به سرعت به‌سوی آن‌ها شتافتی درحالی‌که خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پُر غذا مقابل تو گذاشتند ... پس دقت کن که در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری (نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹۲).

۴- نامه امام علی (علیه‌السلام) به فرماندار بصره عبدالله بن عباس پس از جنگ جمل در سال سی‌وشش هجری: «قَدْ بَلَغَنِي تَنَمَّرُكَ لِبَنِي تَمِيمٍ وَغِلْظَتُكَ عَلَيْهِمْ...»؛ به من گزارش دادند که با قبیلۀ بنی تمیم بدرفتاری کردی و با آن‌ها به خشونت رفتار نمودی... (نهج البلاغه، نامه ۱۸، ص ۳۵۴).

موارد فراوان دیگری هم از نظارت‌های دقیق حضرت وجود دارد؛ روایاتی در آنها، از عباراتی مثل «قدبلغنی» برای اثبات نظارت بر عملکرد مدیران می‌توان استفاده کرد که نشان‌دهنده نظارت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر کارگزاران حکومتی دارد؛ مثل نامه شصت‌ویک نهج البلاغه (نظارت حضرت به فرماندار هیت)، نامه بیست‌وپنج (نامه حضرت به مسئولان مالیاتی)، نامه پنجاه‌ویک (نامه به کارگزاران بیت‌المال) است که به جهت اختصار از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آموزه‌های روایات، این نتیجه به‌دست آمده است که نظارت و کنترل اجتماعی همگانی در جامعه، رکن اساسی امامت جامعه و مدیریت اهل بیت بوده است؛ زیرا دستیابی به اهداف واقعی جامعه اسلامی بدون آن، غیرممکن است. برای حل مسئله مقاله یعنی سازوکار نظارت اجتماعی همگانی بر اساس سنت و سیره معصومین، سیره و کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) واکاوی گردید تا بتوان نظام قابل ارائه‌ای به‌دست آورد. نتایج ذیل، دستاوردهای مقاله است:

۱- نظارت و کنترل اجتماعی یک فرایند اجتماعی است که از مجموعه‌ای از منابع مادی، نمادین، قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد بهره می‌برد تا بتواند هم‌نوایی رفتاری اعضای خود را محقق کرده و با کجروی‌ها مقابله و برخورد نماید. این فرایند، برای حصول اطمینان درباره فعالیت‌های انجام‌شده و بررسی میزان تطابق آن با برنامه‌ریزی‌ها است.

۲- نظارت اجتماعی همگانی، به‌عنوان مقسم اصلی بحث قرار داده شد و ذیل آن، اقسام چهارگانه نظارت از روایات استخراج گردید که عبارت‌اند از: نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر حاکمان یا مدیران، نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه و نظارت حاکمان یا مدیران بر یکدیگر.

۳- نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه دارای چند حالت است که نظارت مستقیم و غیرمستقیم یا واسطه‌ای از انواع آن است. نظارت واسطه‌ای نیز حسب روایات، در دو حالت نظارت آشکار و یا پنهان قابل تحقق است.

۴- نظارت و کنترل اجتماعی آشکار به معنای نظارت روشن، شفاف و اعلام شده است. این کنترل اجتماعی هم ظرفیت پیشگیری و هم تنبیهی دارد؛ یعنی نظارت‌هایی را که به‌صورت علنی و با توجه به علم افراد اعمال می‌شود، از وقوع تخلفات و انحرافات جلوگیری می‌کند. در صورت وقوع جرم و خطا هم، تنبیهات و تعزیرهای لازم باید اجرا شود تا همه افراد جامعه یا سازمان به‌کارآمدی این کنترل‌های اجتماعی و نظارتی یقین پیدا کرده و بدانند که با متخلفان برخورد قاطع صورت می‌پذیرد.

۵- نظارت و کنترل اجتماعی مخفی، نظارتی بدون اطلاع افراد جامعه است تا میزان ناسازگاری واقعی افراد با نظام اجتماعی مشخص گردد و برنامه‌ریزی لازم برای تطابق هر چه بیشتر افراد با آرمان‌های اجتماعی یا سازمانی انجام شود.

پیشنهاده‌ها

در پایان پیشنهاد می‌شود سازوکار و نظام موجود در هریک از اقسام این نظارت و مدیریت در آیات الهی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) مورد واکاوی قرار بگیرد تا زمینه‌های اجرای این نوع کنترل و نظارت، با وضوح بیشتری قابل تحقق باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج‌البلاغه.
سالاری فر، مسعود و دیگران (۱۳۹۰). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
آگ برن، ویلیام اف. و می‌یر اف. نیمکوف (۱۳۵۶). زمینه جامعه‌شناسی. اقتباس آریان‌پور، تهران: کتاب‌های جیبی (با همکاری انتشارات فرانکلین).
ابراهیم، مصطفی و دیگران (۱۳۷۹)، المعجم الوسیط. قاهره: صدر لمجمع اللغة العربية.
احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الائمة (علیهم‌السلام). مجتبی فرجی، قم: دارالحدیث.
باقری فشحامی، نینا (۱۳۹۲). ارتباط میان آگاهی کارکنان در تعامل با مشتریان از اهداف سازمان و کارایی آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی.
بوذری نژاد، یحیی و رییس‌الساداتی، ریحانه‌سادات (۱۴۰۲). آزادی اجتماعی از منظر محمد عبده، سید قطب و علامه طباطبایی با تأکید بر تفاسیر المنار، فی ظلال القرآن و المیزان. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۲(۴۶).
بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
پیروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس و بهشتی‌نژاد، سیدمحمود (۱۳۸۵). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الامام علی (علیه‌السلام)). سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.

- حرامعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام).
- خسروی حسینی، سید غلامرضا (۱۳۷۵). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. تهران: انتشارات مرتضوی.
- داودی کهکی، ریحانه؛ ذهبی، سیدعباس و عباسی، بابک (۱۴۰۲). *راهبردهای ساخت تمدن سعادت‌مندان بر مبنای آراء فارابی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲ (۴۷).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *دائرة‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانیه، محمد و مهدی (۱۴۰۱). *کنترل اجتماعی سازمانی از دیدگاه قرآن کریم*. *فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۱ (۳)، ۲۲۹-۲۵۴.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). *دائرة‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)*. تهران: کیهان.
- صدق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- صدیق اورعی، غلامرضا؛ عبدخدایی، محمدسعید و داوری، محمد (۱۳۹۲). *راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم*. *اسلام و علوم اجتماعی*، سال پنجم، (۹).
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *کشف‌الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)*. حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
- فنادان، منصور و دیگران (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)*. تهران: آوای نور.
- قوامی، سیدمصمصام‌الدین (۱۳۸۶). *مدیریت از منظر کتاب و سنت*. قم: مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- کازینو، ژان (۱۳۶۴). *قدرت تلویزیون*. تهران: امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی (ط. اسلامیة)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل،

تهران: انتشارات سمت.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.

لئونارد، کازمایر (۱۳۶۸). *اصول مدیریت*. ترجمه اصغر زمریان و آرمن مهرورزان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار، درر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)*. جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مختار عمر، احمد (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربية المعاصرة*. القاهرة: عالم الکتب.

معلوف، لویس (۱۳۸۷). *المنجد فی اللغة و الادب و العلوم*. محمد بندر ریگی، تهران: اسلامی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). *پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی*. تحقیقات حقوقی، ۲(۲۵-۲۶).

ورسلی، پیتر (۱۳۷۴). *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه سعید معیدفر، مجموعه علوم اجتماعی (۴)، تهران: تبیان.

یان، رابرتسون (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.

References

- Ahmadi Mianji, Ali (1426). Schools of Imams, peace be upon them, Mojtabi Faraji, Qom, Dar al-Hadith. (In Persian)
- Azarbaijani & et al. (2019). Social Psychology with an Approach to Islamic Sources, Q4, Qom, Hozha Research Institute and University. (In Persian)
- Bagheri Fashkhani, Nina (2013). The relationship between employees' awareness in interaction with customers of the organization's goals and their efficiency, Master's Thesis, Management, Islamic Azad University. (In Persian)
- Biro, Alan (1370). Dictionary of Social Sciences, translated by Bagher Saroukhani, second edition. Tehran, Nash Kihan. (In Persian)
- Casino, Zhan (1364). TV Power, Tehran, Amir Kabir. (In Persian)
- Coen, Bruce (2017). Basics of Sociology, translated by Gholam Abbas Tosli and Reza Fazel, Tehran, Samit Publications. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali-Akbar (1377). Dictionary of Dehkhoda, Tehran, Tehran University Press. (In Persian)
- Hali, Hassan bin Yusuf bin Mutahhar (1411). Revealing Certainty in the

- Virtues of the Commander of the Faithful, peace be upon him, Hussein Dargahhi, Tehran, Zarat Arshad. (In Persian)
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan (1409). Shiite means of understanding Sharia issues, Qom, The Foundation of Ahl al-Bayt, peace be upon them. (In Persian)
- Ibrahim, Mustafa and others (1379). al-Mu'jam al-Wasit, Cairo, Sadr of the Arab Language Conference. (In Persian)
- Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1407). Usul Kafi (T. Islamiyya), Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya. (In Persian)
- Khosravi Hosseini, Seyyed Gholamreza (1375). Translation and research of the vocabulary of the words of the Qur'an, second edition, Tehran, Mortazavi Publications. (In Persian)
- Laithi Wasti, Ali bin Muhammad (1376). Eyes of Al-Hakm and Al-Mo'az, Hossein Hosni Birjandi, Qom, Dar al-Hadith. (In Persian)
- Leonard, Kazmeir (2018). Principles of Management, translated by Asghar Zamrian and Armen Mehrovarzan, Tehran, Government Management Education Center. (In Persian)
- Maalouf, Louis (2017). Al-Manjad fi al-Lagheh and Al-Adab and Uloom, Mohammad Bandar Rigi, Tehran, Islamic. (In Persian)
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403). Bihar al-Anwar, Derer Akhbar al-Imae al-Athar, a group of researchers, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi. (In Persian)
- Mukhtar Omar, Ahmed (1429). Al-Mu'jam al-Lagha al-Arabiyyah al-Mudhamdane, Cairo, Alam al-Katb. (In Persian)
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein (1378). Crime prevention and local police, legal research, 2(25-26), Shahrivar. (In Persian)
- Pirouz Ali (2015). Khemti Abu Talib, Shafiei Abbas, Beheshtinejad Seyyed Mahmoud, Management in Islam, 4th edition, Qom, Hozwa Research Institute and University. (In Persian)
- Qanadan, Mansour and others (1375). Sociology (key concepts), first edition, Tehran, Avai Noor. (In Persian)
- Qavami, Seyyed Samsam al-Din (2016). Management from the perspective of book and tradition, 3rd edition, Qom, Scientific Research Center of the Secretariat of the Council of Experts. (In Persian)
- Rahmatullah Sediq Sarostani (1387). Social pathology (Sociology of social deviations), Tehran, Samt. (In Persian)
- Salimi, Ali and Davari, Mohammad (2018). Sociology of Kajrovi, Qom, Hozha and University Research Institute. (In Persian)
- Sarukhani, Bagher (1371). Sociology of Communication, Tehran, Information Publications. (In Persian)
- Sarukhani, Baqir (1377). Encyclopedia of Social Sciences, Tehran University. (In Persian)
- Sediq Orei, Gholamreza and Abd Khodai, Mohammad Saeed and Davari, Mohammad (2013). violent social control strategies from the perspective of the Holy Quran, Islam and Social Sciences, Year 5, (9), Spring and Summer. (In Persian)

- Shayan Mehr, Alireza (1377). Comparative Encyclopaedia of Social Sciences (Book 1), First Edition, Tehran, Kayhan. (In Persian)
- Soltanieh, Mahdi and Mohammad (2022). Organizational social control from the perspective of the Holy Quran. Center for Strategic Research, 3(11), 229-254. (In Persian)
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1366). The compilation of Gharral al-Hakm and Derr al-Kalam, Mustafa Daraiti, Qom, Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410). Gharr al-Hukm wa Derr al-Kalam (My collection of words and rulings of Imam Ali, peace be upon him) Seyyed Mahdi Rajaei, Qom, Dar al-Kitab al-Islami. (In Persian)

